



بعضی از کتاب‌ها با نگاهی نو به موضوعی قدیمی می‌نگرند و چشم‌اندازی تازه برای مخاطب ترسیم می‌کنند. کتاب **دروغ / اراده آزاد** به قلم ساموئل بنیامین هریس^۱ یکی از همین آثار است. هریس نویسنده و عصب‌شناس امریکایی است که به مباحث فلسفی و مذهبی علاقه دارد. نخستین اثرش، کتابی با عنوان **پایان ایمان: مذهب، هراس و آینده خردورزی**^۲ است که پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نوشت. این کتاب در ۲۰۰۴ منتشر و با موجی از واکنش‌های ضد و نقیض منتقدان همراه شد. برخی صراحت او را ستودند و گروهی نیز زبان به نکوهش او گشودند. هریس نیز هفت سال بعد در مقاله‌ای مفصل با عنوان «دروغ» و سپس در ۲۰۱۲ در کتابی موجز با عنوان **اراده آزاد** دو پیوست بر این کتاب نوشت. خشایار دیهیمی این دو را در قالب یک کتاب ترجمه کرده که تاکنون به چاپ پنجم رسیده است.

بخش نخست کتاب درباره چستی دروغ و چگونگی تأثیر آن بر زندگی ماست؛ عمده‌ترین آفتی که زندگی را به سوی تباهی و آشفتگی می‌راند و نیکبختی انسان را تباه می‌کند. اما بشر، به رغم اطلاع و اطمینانی که از آسیب‌های پیدا و پنهان دروغ دارد، همچنان به دامان آن پناه می‌برد. انواع دروغ‌های ریز و درشت چنان در تار و پود مناسبات اجتماعی تنیده‌اند که گویی بدون آن زیستن ممکن نیست. با این حال، هریس معتقد است که درباره ضرورت دروغ‌هایی که صفت «مصلحت‌آمیز» را یدک می‌کشند، اغراق شده است. توجیه دروغ به هر شکل که باشد از شومی سرشت آن نمی‌کاهد و در نهایت همیشه تاوان خودش را دارد بی‌آن‌که گریزی از آن باشد.

پرسش نخست کتاب درباره «حقیقتِ دروغ!» است. به این معنا که بدانیم به راستی دروغ چیست؟ آیا دروغ و فریب مترادف‌اند؟ هریس می‌گوید هر عمل فریب‌دهنده‌ای الزاماً دروغ نیست و می‌نویسد: «دروغ گفتن یعنی عامدانه دیگران را گمراه کردن، آن هم زمانی که آن‌ها انتظار سخنی صادقانه دارند» (ص. ۲۱). بنابراین، «هدف‌گوینده» و «انتظار شنونده» دو معیار سنجش است. در نتیجه، شعبده‌بازی که مردم را فریب می‌دهد دروغی به آنان نمی‌گوید. زیرا قرار است راز کارش پوشیده باشد و مخاطب انتظار ندارد که او اسرار هویدا کند. البته مرز میان دروغ و فریب نیز همیشه روشن نیست. مثلاً دوستی که دعوت ما را برای تماشای تئاتر به بهانه کسالت رد می‌کند، آیا دروغ

گفته یا فقط خواسته با این فریب ما را نرنجانند؟ زیرا هدفش بیش از گمراهی ما، تلاش برای خشنودی ماست. اما از سویی دیگر ما را از دانستن واقعیتی محروم کرده است. هرچند ندانستن این واقعیت، که او اشتیاقی به تماشای تئاتر ندارد، آسیبی به ما نمی‌زند و در نهایت به ضرر اوست. زیرا به تدریج اعتماد ما از او سلب خواهد شد. به این ترتیب، دروغ ایجاد رابطه سالم و امکان همکاری جمعی را مختل می‌کند. این شامل همه انواع دروغ‌ها می‌شود، حتی آنچه با نام «دروغ مصلحت‌آمیز» موجه به نظر می‌رسد. زیرا به تعبیر مؤلف «دروغ مصلحت‌آمیز در واقع امتناع از عرضه یک راهنمایی صادقانه به کسی است که در معرض خطری قرار دارد» (ص. ۳۷). در نتیجه پایه‌های اعتماد عمومی سست می‌شود و جامعه در معرض تباهی قرار می‌گیرد.

البته پیامدهای دروغ به همین چند قلم ختم نمی‌شود. یکی دیگر از مصیبت‌ها بار سنگینی است که دروغ بر حافظه وارد می‌کند: «دروغ، دروغ می‌آورد. بر خلاف راستگویی که نیازمند هیچ تلاش و کار بعدی از طرف ما نیست. دروغ‌ها را باید مرتباً پایید که تا با واقعیت تصادم پیدا نکنند» (ص. ۵۸). اما جهان حافظه مردمان راستگوست. مشکل دیگر دروغ‌گویی مجموعه الزاماتی است که با خود به همراه دارد و شبیح آن بر آینده ما سایه می‌اندازد. پنهان‌کاری، فریب، تزویر، تظاهر، و ریاکاری در دامان دروغ شکل می‌گیرند. دروغ میان حقیقت زندگی ما و دریافت دیگران از آن مرزی خواهد کشید که به تدریج شناسایی این سو و آن سوی مرز برای خودمان هم دشوار خواهد بود. در نهایت دروغ امکان دیدن جهان را آن‌چنان که هست از ما و دیگران سلب خواهد کرد و این فرجام تلخی است.

اما پرسش بعدی این‌جاست که چرا انسان به‌رغم آگاهی از پیامدهای ناگوار دروغ، همچنان به آن پناه می‌برد؟ آیا او در دوراهی حقیقت و دروغ آزاد است یا نیرویی نامرئی او را به یک سو سوق می‌دهد؟ بخش دوم کتاب درباره همین پرسش است. به باور هریس مسئله اراده آزاد (اختیار) بسیار اساسی است زیرا تقریباً به هر چیزی که برایمان مهم است ربط دارد. مقوله‌هایی مثل اخلاق، قانون، سیاست، دین، مجازات، و غیره فقط زمانی معنا می‌یابد که آدمی خود را موجودی مختار بداند. اگر اراده آزادی در میان نباشد، مجرم فقط ساعت‌هایی کوچکی هستند که در زمانی مشخص دست به کار خلاف زده‌اند که خارج از اختیارشان بوده و دیگر مفاهیمی همچون قضاوت و مجازات بی‌معنا خواهد بود. با این حال، انسان اراده مطلق هم ندارد و زندگی ترکیبی از جبر و اختیار است. البته هریس از این مرحله گامی فراتر می‌رود و بر این باور است که: «اراده آزاد یک توهم است. خواست و اراده ما ساخته ما و دست ما نیست. فکرها و نیات از عللی پس‌زمینه‌ای بر می‌آیند که ما بر آن‌ها واقف نیستیم و هیچ مهار آگاهانه‌ای نمی‌توانیم بر آن‌ها بزنیم. ما آن آزادی را که فکر می‌کنیم داریم، نداریم» (ص. ۷۷). شاید چنین ادعایی افراطی به نظر برسد؛ اما او بحث را گام‌به‌گام پیش می‌برد تا مراد خود را از این گزاره بازگو کند.

هریس نخست بر این نکته تأکید می‌کند که ما فقط از بخش ناچیزی از آنچه در ذهنمان پردازش می‌شود آگاهیم. افزون بر این، قصد ما برای هر تصمیم برخاسته از آگاهی نیست، بلکه در آگاهی پدیدار می‌شود. در نتیجه نمی‌دانیم نیت انجام هر کار به راستی از کجا سرچشمه می‌گیرد و چه چیز یا چیزهایی چندوچون آن را در هر موقعیت تعیین می‌کند. تعارض میان آنچه باور داریم

و تمایل به انجام کاری مخالف با آن شاهدهی بر این مدعاست. مثلاً می‌دانیم سیگار برای سلامتی زیان دارد، اما نمی‌توانیم اشتیاق به سیگار کشیدن را در وجودمان خاموش کنیم. اگر فقط «آگاهی» منشاء تصمیم بود، آن‌گاه ترک سیگار کار آسانی به نظر می‌رسید. وجه دیگر این بحث به تعریف ما از «خویشتر خویش» بستگی دارد. بنابراین، در پاسخ به این پرسش که آیا «من» مختارم یا مجبور، ابتدا باید دید منظور از «من» کیست؟ آیا مجموعه‌ای از سلول‌های عصبی است که دیدن، شنیدن، و حافظه را ممکن می‌سازد؟ آیا این «من» موجودی مستقل است یا در بافتی از اجتماع، فرهنگ و تاریخ شکل می‌گیرد؟

مرز مبهم میان جبر و اختیار نیز وجه دیگر بحث است. مثلاً کسی که به جبر مطلق باور دارد و تسلیم سرنوشت می‌شود، عملاً تصمیمی گرفته است که نشانی از اختیار اوست. زیرا او می‌توانست تسلیم نشود. از سوی دیگر کسی که فکر می‌کند قادر به انجام هر کاری است که دلش می‌خواهد، نمی‌تواند چیزی بیش از آن‌چه تمایلی به انجامش دارد تصور کند. در نتیجه، در عین آزادی مجبور به انتخاب یکی از چند گزینه محدودی است که به ذهنش می‌رسد، بی‌آن‌که از ریشه این گزینه‌ها آگاه باشد. در پایان هریس اعتراف می‌کند که این‌ها همه بخشی از سرگشتگی ما در این وادی است که به راستی نمی‌دانیم مرز حقیقت و توهم درباره مفهوم می‌به پیچیدگی «اراده آزاد» کجاست.

پی‌نوشت‌ها

1. Samuel Benjamin Harris
2. *The End of Faith: Religion, Terror, and the Future of Reason*

علی امینی نجفی

آفرین بر آن مؤلف دانشمند و این ناشر دانشگاهی!

نظریه مدرنیته در معماری

دکتر سعید حقیر و دکتر حامد کامل‌نیا

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴

۴۵۸ ص. ۲۵,۰۰۰ تومان



این نوشته قرار بود نامه‌ای باشد انتقادآمیز خطاب به سردبیر نگاه‌نو. اما به مطلبی بلندتر تبدیل شد که شاید صلاح بدانند آن را در نگاه‌نو درج کنند. انتقاد این بود که چرا نگاه‌نو به جای تعریف و تمجید از کتاب‌های تازه، از نارسایی‌های بازار نشر در ایران گزارش نمی‌دهد؟ این درست که کار نشر و کتاب در کساد فراقیر و بحرانی غم‌انگیز فرو رفته اما، این دلیل واقعی، نباید ناشران و مؤلفان را به سوءاستفاده از بازار آشفته و ماهی گرفتن از آب گل‌آلود سوق دهد.